

آسیب شناسی مشق شب در ایران تکلیف سنتی یا تکلیف خلاق؟



دکتر مهرداد ناظری

جا انداختن، کار را نیمه تمام و قلابی انجام دادن و ... آشنا شود در حالی که عموماً به معلم‌ها توصیه می‌شود تکلیف را به مسیری سوق دهید که دانش‌آموزان با انجام آن احساس بهتری داشته و روحیه مسئولیت‌پذیری در آنها تقویت گردد.
حذف تکلیف یا اصلاح؟

در این مورد تقریباً اکثر محققان مسائل آموزشی هم عقیده هستند که حذف تکلیف یک روش درست و حساب شده‌ای محسوب نمی‌شود و علی‌القاعده هر معلم برای ثبات یادگیری مطالب مدرسه (نه به عنوان یک روش) باید از تکلیف استفاده نماید. حتی در یک تحقیقی که در مریلند با مشارکت ۸۲۰ معلم، بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموز و ۱۲۰۰ نفر از والدین صورت گرفت مشخص گردید که در مدارس ابتدایی دانش‌آموزان که تمرین بیشتری انجام داده بودند، در گذراندن واحدهای درسی خود موفق‌تر بودند. اما این به معنای پذیرش هر مدل تکلیف، یا مشق شب‌های بی‌رویه نیست و اتفاقاً مطالعه در مریلند نشان می‌دهد که تکلیف‌های سنتی می‌تواند بسیار مضر بوده و جسارت و روحیه یادگیری را در کودک از بین ببرد. در این خصوص دکتر جوئیس راپستین پرفسور جامعه‌شناس دانشگاه جان هاپکینز می‌گوید: «تکلیف‌های فراوان اصلاً ضرورتی ندارد و تکلیف مناسب می‌تواند به دانش‌آموز احساس امیدواری بیشتری برای رسیدن به موفقیت دهد. او در ادامه می‌گوید ممکن است دانش‌آموزان دوره ابتدایی به دلیل اینکه با تجربیات نوینی در مدارس مواجه می‌شوند انجام تکلیف را راحت‌تر بپذیرند اما در دبیرستان که دانش‌آموزان علائق گسترده‌تر و متنوع‌تری دارند انجام تکلیف بیش از حد را یک امر اجباری و مبتنی با فشارهای روحی و روانی می‌داند. در نهایت گزارش دانشگاه مریلند تأکید می‌کند که ما باید به دنبال روش‌های بهتری در امر یادگیری و آموزش باشیم. روش‌هایی که تمرین و تکرار در آن با تنوع و لذت بیشتری همراه است.

لذا اگر قرار باشد تکلیف را به عنوان تنبیه یا برای جبران یک اشتباه تعیین شود، مطمئناً با نتایج ارزنده و مطلوبی همراه نخواهد بود حتی گفته می‌شود که از تکلیف برای تشویق هم استفاده نکنید چون این امکان وجود دارد که کودکی که در ازای کار خوب پاداش دریافت می‌نماید، همیشه همه کارها و حتی وظایف و مسئولیت‌هایش را در برابر دریافت هدیه و پاداش انجام دهد.

تکلیف خلاق:
کارشناسان مسائل آموزشی در سال‌های اخیر تأکید زیادی بر تغییر الگوها و مدل‌های مشق شب دارند. اما نکته‌ای که در این زمینه حائز اهمیت است این است که تکلیف از نوع خلاق، زمانی می‌تواند جایگزین شیوه‌های سنتی گردد که نظام آموزشی در سطح کلان بستر این کار را فراهم نماید. چون اگر معلم‌ها بخواهند از این الگوی جدید استفاده نمایند اما سیستم

نمی‌دهند و فقط به تفریح و سرگرمی و تماشای تلویزیون مشغول هستند.

مشق شب نقض حقوق کودکان

در دهه ۱۳۶۰ عباس کیارستمی کارگردان برجسته ایرانی فیلمی به نام مشق شب ساخت که در زمان خود بسیار بحث برانگیز و جذاب و در عین حال انتقادمیز بود. تصور بر این است آنچه کارگردان در این فیلم زیبا با عینک نقادانه به آن می‌پردازد توجه به اثر عذاب‌آور مشق شب بر روح و جسم کودکان است. هر چند نظام آموزشی ایران از شرایط بسته آن روزها تا حدی فاصله گرفته و در راستای ایجاد تحرک نیز قدم بر می‌دارد اما گویا همچنان حقوق کودکان در اثر عدم رعایت استاندارد و یا تغییر در نوع نگاه نقض می‌شود.

وقتی کودکان مجبورند به جای فراغت و بازی به نوشتن و نوشتن انبوه بپردازند، وقتی هنوز دانش‌آموزان پراثر انجام تکالیف دچار دست درد یا خواب‌های آشفته می‌شوند و تحصیل و پیشرفت آنها منظور به کار کردن افراطی در منزل است، طبیعی است که ما با مشکلی اساسی و حل نشده روبه‌رو هستیم؛ مشکلی که شاید باعث ایجاد نفرت و عدم علاقه بچه‌ها به درس و کلاس تا ابد شود. یکی از ویژگی‌های تکالیف سنتی یکسان‌سازی دانش‌آموزان است چون در ارائه آن به ویژگی‌های روحی، روانی و شخصیتی تک تک بچه‌ها توجه نشده و برای همه بچه‌ها یک مدل مشق ارائه می‌شود. در واقع شاید یکی از اساسی‌ترین دلایل عدم علاقه بچه‌ها به تکالیف در این موضوع نهفته باشد که هر تصمیمی با منافع فردی و ارزش‌های ذهنی آنها همخوانی نداشته و در نهایت ما با یک شرایط نامساعد و عدم علاقه جدی آنها روبه‌رو می‌شویم. پرفسور هارولد اسمیت جامعه‌شناس معتقد است: «وقتی تکالیف شب آزادی دانش‌آموزان را سلب می‌نماید و کودک فرصتی برای با خود بودن و یا پرداختن به امور مورد علاقه‌اش را ندارد. طبیعی است اجرای تکلیف یک کار اجباری می‌شود که باعث نزاع و چالش فرد با خودش و با محیط می‌شود. اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. نتیجه اجبار در تکلیف این می‌شود که کودک با روحیه تقلب، رج‌زدن،

به نظر می‌رسد نظام آموزشی ایران همچنان از یک بیماری مزمن رنج می‌برد و آن تأکید بیش از اندازه به انجام تکلیف در منزل (Homework) یا همان مشق شب از نوع سنتی آن است و هنوز هم بچه‌ها مجبورند بعد از ساعات حضور در کلاس به فکر انجام تکالیف مدرسه خود در خانه باشند. تکالیفی که گاهی اوقات نه تنها دارای اهداف آموزشی خاصی نیست بلکه باعث خستگی، دلزدگی و افت تحصیلی می‌شود. بچه‌ها عموماً می‌گویند: تکلیف برای ما مثل هیولایی است که حتی در زمان فراغت و استراحت هم به آن فکر می‌کنیم. روانشناسان نیز معتقدند: تکلیف‌های سنتی به دلیل عدم پذیرش و دریافت قلبی توسط دانش‌آموزان به مثابه زنجیری می‌ماند که به ذهن، فکر و احساس هر کودک آویخته شده و اجازه آزاداندیشی را به او نمی‌دهد. در واقع شاید سوالی که باید به آن توجه شود این است که آیا به واقع تکلیف شب، دارای کارکرد تخریبی است یا اینکه می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی بچه‌ها موثر واقع شود؟ در این خصوص نظریات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای همچنان تکلیف را جزو لاینفک آموزش و تحصیل در مدارس می‌دانند و معتقدند معلم‌ها باید با تعیین تکلیف شب، در امر یادگیری هم از نقش و مشارکت خانواده‌ها بهره‌مند شوند و هم به بچه‌ها این امکان را بدهند که در امر یادگیری تحصیلی از زمان‌های بیشتر و در غیر ساعات درسی نیز استفاده مناسب نمایند تا به نوعی توانایی‌های کودکان افزایش یابد. در مقابل عده‌ای نیز مشق شب را دارای ابعاد و زمینه‌های مخرب دانسته و آن را توصیه نمی‌کنند. تحقیقات انجام گرفته توسط فرایزن، دوویل و باربر نشان می‌دهد که تکلیف شب برای کودکان مفید نیست و اثرات منفی فراوان دارد. اما آنچه در ایران موجب نگرانی بیشتر می‌شود این است که انجام تکالیف به شکل سنتی و با فشار روحی بسیار روبه‌روست. حل تمرین‌های فراوان و طاق‌فرسا، رونویسی و تأکید بر حفظ طوطی‌وار درس در منزل همچنان بخش اساسی مشق شب کودکان در مدارس ایران است که این قضیه گاهی به دلیل عمیق شدن و ریشه‌ای بودن فرهنگ تکلیف شب به عنوان یک وظیفه در خانواده کار اصلاح آن را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است چرا که حتی اگر در مدرسه‌ای یا توسط معلمی مشق داده نشود ممکن است با مخالفت و اعتراض والدین روبه‌رو شود که بچه‌ها در خانه کار خاصی انجام



آموزشی همچنان بر روی روش های کهن تاکید داشته باشد، پارادوکسی ایجاد می شود که در نهایت امکان تغییر مسیر نمی باشد.

اما تردیدی نیست که تکلیف خلاق تنها مدل و نوع تکلیف است که می تواند به نوعی مهارت کودک در تفکر و اندیشه را بالا برده و به او توانایی حرکت و تجربه در مسیرهای گوناگون را بدهد. در مشق خلاق، هدف آزادسازی ذهن از هر گونه مانع و محدودیت است. مثلاً می توان به دانش آموز تمرینی داد و از او خواست بگوید که اگر در خیابان با مردی روبه رو شد که توانایی پرواز داشته باشد چه به او خواهد گفت؟ و یا اینکه اگر با فردی روبه رو شد که دارای چشم سوم بود و می توانست پشت سر خود را ببیند چگونه برخورد خواهد کرد؟ اینگونه تمرین ها به کودک اجازه می دهد که ذهنش را فراتر از حوزه های موجود برده و به نوعی با تفکر و اندیشه در حوزه های حتی غیر واقعی به درک و دریافت بالاتری برسد و یا حتی می توان با دانش آموزان به یک دشت یا جنگل سرسبز رفت و از آنها خواسته شود که حرکات حشره های را در کوه و دشت نظاره گر باشند و شاهد جمع آوری و خوردن غذای او باشند. این روش درک کودک از طبیعت بسیار غنی تر و پربارتر از چیزی است که کتاب به او عرضه می کند. کودکان ما امروز از طبیعت زیبا و بکر بسیار دور مانده اند و برای شناخت آن نیاز است که لحظاتی را در آن به جست و خیز و بازی مشغول شوند. اما برای آن که بهتر بتوانیم مشق خلاق را بشناسیم در اینجا به اختصار برخی از ویژگی های آن را شرح می دهیم.

الف: شکست قالب های فکری: اولین ویژگی یک تکلیف خلاق این است که فکر را از تجربیات گذشته رها ساخته و به دانش آموزان اجازه می دهد که با یک نگرش مثبت به محیط نظر انداخته و مواد مورد نظرش را انتخاب و تلفیق نماید. دانش آموز باید بداند که هر فکر و ایده ای دارای اهمیت و اعتبار است و هیچ فکری نیست که پوچ و بیهوده باشد. حتی افکار طنز و فکاهی دارای ارزش است گفته می شود همیشه فکرهای بزرگ در ابتدا بسیار خنده دار و حتی یک شوخی ساده بوده است.

لذا بهترین شیوه برای شکستن انحصارات پایان دادن اعتقاد به این اصل است که یک مساله فقط یک پاسخ دارد. یک مساله می تواند پاسخ های بی شماری داشته باشد و شاید یک دانش آموز بتواند پاسخی برای یک سوال بیابد که تا به حال مطرح نشده است.

ب- پذیرش تغییرات: باید به دانش آموز این اطمینان را داد که تغییر کردن هر چند سخت و بعضاً دارای ریسک است، اما می تواند بسیار مفید و دارای سود باشد. مثلاً اگر کودکی از کوه می ترسد بهترین تکلیف می تواند این باشد که با کمک و همراهی والدین دانش آموز را به کوه برده و به او نشان داده شود که کوهنوردی نه تنها ترس ندارد بلکه در صورت احتیاط ورزش سودمندی است.

این موضوع از زاویه دیگری نیز مطرح است، گاهی بچه ها به دلیل عدم اعتماد به نفس شجاعت انجام یک کار را ندارند. فرض این است که کودک از سفر کردن و دوری از خانه هراس دارد. حالا اگر مدرسه زمینه ای برای سفرهای گروهی را فراهم آورد، شاید کودک اعتماد از دست رفته اش را پیدا نماید. بر این مبنا بهترین تکلیف، تکلیفی است که ذهن ایستای کودک را به تغییر در موارد خاص معطوف نماید.

ج- کار گروهی: یکی دیگر از ویژگی های کار خلاقانه انجام کار به صورت گروهی است. معلم ها بهتر است تکالیفی به دانش آموزان بدهند که بچه ها به صورت گروهی آن را انجام دهند. مثلاً اجرای یک نمایش و یا حتی اجرای بخشی از شعر یا داستان های کتاب ادبیات فارسی کمک شایانی به تقویت ذهن چند بعدی آنها کرده و تا حد زیادی به دانش آموزان احساس همگرایی و اولویت انجام کارها به صورت گروهی را می دهد. بر همین مبنا تاکید زیاد می شود که تکالیف اصلی بچه ها در مدرسه و با همیاری گروه همسالان انجام شود تا هم بچه ها زندگی در دایره گروه ها را بیاموزند و هم در کنار هم ابعاد متنوع ذهنی شان شکوفا شود.

د- توجه به دستاوردها: کودک در انجام هر تمرینی دستاورد بزرگی از تجربه را به دست می آورد. تحقیقات نشان می دهد که توجه به راه حل تمرین کودک بسیار مهم تر از

تاکید به پاسخ صحیح است. هر چند که ما از ابتدای ورود به مدرسه کودکانمان را برای مسابقه های تحصیلی بزرگ مثل کنکور و شیوه های تست زنی آماده می کنیم. اما بهترین راه فهمیدن میزان پیشرفت کودک این است که اولاً او را با دیگران و در قالب رقابت با آنها نشانسیم دوم اینکه چون ممکن است حس حسادت او نسبت به سایرین و یا احساس تنفر از درس در وی تقویت شود، لذا بهتر است در فرایند تدریس و تعیین تکلیف منزل مسائل به گونه ای طرح و کنترل شود که راحل و روش رسیدن به جواب دانش آموز مهم تر از پاسخ آن باشد. آن فوراً متخصص مسائل تربیتی در این زمینه می گوید: «اگر هدف ما یادگیری است باید با تکلیف مناسب زمینه و فرصت های یادگیری بیشتری برای دانش آموز فراهم کنیم و به مسیر حرکت دانش آموز در رسیدن به پاسخ توجه نماییم. بنابراین در ارزش یابی ها بهتر است تا حد زیادی به جای نمره محوری به پیشرفت کودک در مقایسه با خودش توجه شود.

ه- تحرک ذهنی: یکی از بهترین روش های شکوفایی ذهن خلاق، استفاده از تمرین هایی است که حرکت ذهن را در جهات گوناگون ممکن می سازد. به عنوان مثال اگر شما به دانش آموز بگویید که ۴ کلمه بدون فکر کردن بگوید و او پاسخ دهد: (کتاب، دفتر، قلم، میز) ما می گوئیم این پاسخ در یک قالب مشخص ذهنی ایجاد شده و پاسخی خطی محسوب می شود. حال با هم دانش آموز بگوید (پنبه، خیار، رضا، موشک) در واقع دانش آموز این قدرت را پیدا کرده با قوه تخیل خود در مسیرهای بسیار متنوع و متفاوت ذهنی سیر نماید. لذا بهتر است معلم ها تکالیفی به دانش آموزان بدهند که در وی به کشف استعدادها و تحرک بالای ذهنی منجر گردد.

با توجه به آن چه گفته شد، به نظر می رسد که توجه به تکالیف شب در مدارس نیازمند یک بازبینی عمیق و کلی در ساختار و نظام آموزش و پرورش است. بهتر است به جای توجه به روش های سلیقه ای و بعضاً غیر علمی راه را برای شیوه هایی که راه را برای بسط تفکر و بینش ذهنی، احساسی و ادراکی دانش آموزان باز می کند، هموار نمود. ▲